روزنامه شهروند

فرهنگی . اجتماعی . سیاسی . اقتصادی

www.shahrvand-newspaper.ir

صاحب امتیاز: **جمعیت هلال احمر**

مدیر مسئول: **عبدالرسول وصال**

سردبیر: **کسری نوری**

نشانی: تهران ، فلکه دوم صادقیه
ابتدای بزرگراه محمدعلی جناح
کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴
سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۰۹۷
کدپستی: ۱۴۸۳۷۷۸۶۱۷
فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰
تلفن: ۷-۴۴۹۵۶۱۰۱
چاپ: روزتاب
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز شرق
تلفن امور شهرستان‌ها: ۸۸۹۴۲۹۰۰
فکس: ۸۸۹۴۲۹۱۰

اوقات شرعی:
|اذان صبح ۰۵:۱۴:۲۳|طلوع آفتاب ۰۶:۴۱:۱۴|
|اذان ظهر: ۱۱:۴۹:۰۹|غروب آفتاب: ۱۶:۵۷:۰۴|
|اذان مغرب: ۱۷:۱۶:۲۷|

صفحه آخر

این شرح بی‌نهایت...

من بازخواست می‌شوم و شما نیز بازخواست می‌شوید. **حضرت محمد(ص)**

آه جگر سوز

هر کار که هست جز به کام تو مباد
هر خصم که هست جز به دام تو مباد
هر سکه که هست جز به نام تو مباد
هر خطبه که هست جز به بام تو مباد

•

تاریک شد از مهر دل افروزم روز
شد تیره شب، از آه جگر سوزم روز
شد روشنی از روز و سیاهی ز شبم
اکنون نه شبم شب‌ست و نه روزم روز

•

ای کرده سپاه اختران یاری تو
فخرست جهان را به جهانداری تو
مَست‌اند مخالفان ز هشیاری تو
بخت همه خفته شد ز بیداری تو

منوچهری

تقویم تاریخ

انتشار روزنامه «فیگارو»

۱۴۸ سال پیش، برابر با شانزدهم نوامبر ۱۸۶۶ میلادی، نخستین شماره روزنامه «فیگارو» به زبان فرانسه در پاریس منتشر شد. فیگارو ابتدا به‌عنوان یک هفته‌نامه طنز و انتقادی تاسیس شد. این روزنامه نام خود را از شخصیت «فیگارو» در نمایشنامه‌های «ازدواج فیگارو»، «آرایشگر شهر سویل» و «مادر گناهکار» نوشته پیر بومارشه اقتباس کرد. شعار این نمایشنامه‌ها این بود: «مدح چاپلوس بدون آزادی انتقاد، معنایی ندارد.» فیگارو تا سال ۱۸۵۴ به‌طور نامنظم و نامرتب به چاپ می‌رسید اما در سال ۱۸۶۶ انتشار آن منظم شد.

آغاز جنگ اول ویتنام

۶۹ سال پیش، برابر با شانزدهم نوامبر ۱۹۵۵ میلادی، فرانسه پیشنهاد مذاکره و مصالحه از سوی هوشی مین، رئیس حکومت دموکراتیک ویتنام را رد کرد و به این ترتیب جنگ اول ویتنام میان فرانسه و انقلابیون آغاز شد. این جنگ ۹ سال به طول انجامید و سرانجام فرانسوی‌ها حاضر به مصالحه و مذاکره شدند. این جنگ پس از امضای قرارداد ژنو در ۲۰ ژوئیه ۱۹۵۴ میلادی، پایان یافت. هنگامی که مذاکره درباره شرایط متارکه جنگ و تقسیم موقت ویتنام به دو بخش شمالی و جنوبی در حال انجام بود، ایالات متحده بر ضد ویتنام شمالی، اعلان جنگ داد و جنگ دوم ویتنام آغاز شد.

سوءقصد نافرجام به علاء

۵۹ سال پیش، برابر با بیست‌وپنجم آبان ۱۳۳۴ خورشیدی، حسین علاء نخست‌وزیر وقت در مجلس ترحیم فرزند آیت‌الله کاشانی که در مسجد سلطانی برگزار شده بود هدف گلوله مظفر ذوالقدر از اعضای فدائیان اسلام قرار گرفت ولی گلوله در لوله سلاح گیر کرد و ذوالقدر دستگیر شد. حمله به حسین علاء یک روز پیش از سفر به پایتخت عراق برای شرکت در اجلاس سران دولت‌های عضو «پیمان بغداد» صورت گرفت. مقامات دولتی بعدا اعلام کردند مظفر ذوالقدر از جانب جمعیت فدائیان اسلام مامور ترور علاء شده بود.

شهروَنگ

آدم خوبه، آدم بده!

سوشیانس شجاعی‌فرد
طنزنویس
soshyians.fard@gmail.com

دیشب سه‌بار رفتم دم خودپرداز و سه تا صدتومن هدر دادم تا ببینم احمد بالاخره این صدهزار تومن را ریخته به حساب ما یا نه. اما نریخته بود. وقتی پیگیر شدم، آخر شب پیامک زد که الان مهمونی‌ام، فردا می‌فرستم. دوباره صبح پیغام دادم و بالاخره ساعت ۱۰ صبح، جواب آمد که ریختم به حسابت! فورا رفتم پای خودپرداز که صدهزار تومن را بزنم به جاهایی که زندگی زخمش کرده بود! حساب را که چک کردم چیزی را دیدم که باورم نمی‌شد. وقتی موجودی گرفتم، به جای صد و یک هزار تومان، ۱۰ میلیون و یک‌هزار تومان بود! این صحنه را فقط توی فیلم‌ها، داستان‌ها و ستون طنز روزنامه شهروند دیده بودم! تا ۵ دقیقه شوکه بودم، چون تا آن موقع نه خودم نه حسابم، تابه‌حال چنین رقمی ندیده بودیم! بعد از این که شوک اولیه را رد کردم، با این سوال اساسی زندگی روبه‌رو شدم که خب الان باید چه‌کار کنم؟! مطمئن بودم احمدرضا از سر گیجی میهمانی دیشب دو تا صفر اضافه زده و بعد از این که گیجی از سرش برود متوجه می‌شود و خب من باید پول را پس بدهم! خواستم خودم بهش زنگ بزنم و خودشیرینی کنم و مرام‌بازی و حلال‌زادگی دربیارم. اما گفتم این همه درستکاری نتیجه‌اش این شده که الان لنگ صدهزار تومن پول هستم! آخرش هم که این پول را می‌دهم، بگذار یک روز هم که شده مثل کسی که ۱۰ میلیون و هزار تومن در حسابش پول دارد، زندگی کنم، ولو چند ساعت مزه میلیونر بودن را درک کنم! درست مثل فیلم مرسدس!

اولین کاری که کردم این بود که یک موجودی از خودپرداز گرفتم! برای پز دادن خوب بود! می‌توانستم با آن خواستگاری دختر رویاهایم هم بروم، سند معتبری بود! فقط نگران این بودم که به مرور زمان رنگش بپرد و کسی حرفم را باور نکند! پس دومین کارم این بود که از این موجودی حساب، یک کپی هم بگیرم! کار بعدی این بود که پز بدهم! در صف عابربانک ایستادم و نوبتم را می‌دادم تا این که نفر پشت‌سری من به دختر جوان و زیبارو و ریچ کیدز نمارسید! بعد در حالی که او هم به عادت نیک ایرانی‌ها که به هر نحوی سرشان در زندگی دیگران است، در حال پیگیری این بود که من چه‌کاری انجام می‌دهم، از حسابم موجودی گرفتم! وقتی از صف بیرون می‌آمدم به دختر نگاه کردم! لبخند رضایت و نخ ۵متری را حس کردم! قلبم آمده بود کف پایم! چون راستش تا حالا دختری با لبخند به من نگاه نکرده بود!

بعد برگشتم به شعبه بانک. به آقای زندی، تحویلدار بانک گفتم که پرینت یک‌ماهه حسابم را بدهد! زندی پوزخندی زد و گفت فلانی، هزینه پرینت و کاغذ حسابت بیشتر از موجودیت میشه! با اعتماد به‌نفس کامل گفتم، نه داداش این طور یا هم نیست، شما پرینتت رو بگیر! خیلی از این تحقیر کردنش خوشم آمد! چون بارها شده بود با نگاه تحقیرآمیز با من برخورد کرده بود! پرینت را که گرفت به موجودی‌اش نگاه کرد و برق از سه‌فازش پرید! برای زندی که روزی میلیاردها پول می‌بیند، پول زیادی نبود! ولی این که توی حساب من بود برایش تعجب‌آمیز بود! برگه را که به من داد، رفت طرف مسئول صندوق، مسئول صندوق هم گفت بچه‌ها، پرداخت‌های دیروز رو چک کنید ببینید ۱۰ میلیون اشتباهی جایی نریخته‌اید؟! من هم رفتم سراغ رئیس شعبه تا بلکه به اعتبار این موجودی، آن وام ۲ میلیونی‌ام را که یک‌سال و ۲ ماه پیش قرار بود بدهند، به جریان بیندازد! رئیس قول مساعد داد! دیدم تنور داغ است گفتم دسته‌چک هم می‌خواهم! قول آن را هم داد!

از بانک اومدم بیرون! به کارهایی که می‌توانم بکنم فکر کردم! رفتم منیریه، یک شال قرمز پرسپولیسی که سال‌ها دلم می‌خواست داشته باشم، خریدم! بعد رفتم اسی کشیف، ساندویچی محل، یک ساندویچ زبان سفارش دادم، متعجب پرسید مثل همیشه دو نونه؟ گفتم نه بابا، ساندویچ زبان که دو نونه نمیشه! اون بندریه که دو نونه می‌خورند! موبایل را روی اسپیکر گذاشتم، به تلفن بانک زنگ زدم و موجودی حسابم را گرفتم! اسی یک نوشابه هم باز کرد و گفت مهمون مایی!

ناهار را که زدم به بدن، آمدم بیرون و رفتم دم دکه روزنامه‌فروشی! به مجله‌های خوش آب و رنگی که عکس‌های هنرپیشه‌ها را زده بودند و همیشه حسرت داشتنش را می‌کشیدم نگاه کردم! یکی‌شان را برداشتم و با دقت کندوار نگاهش کردم. گذاشتم سر جایش و یک نخ از این سیگارهای دکمه‌دار گرفتم و کشیدم. طعم نعناعش که در دهانم پیچید، به نظرم رسید که خوبه که من هم آدم بده بشوم! توی همین افکار بودم که یک پیامک رسید، احمدرضا بود، شماره کارت داده بود!

نگاه

قابل ندانستید آقای رئیس‌جمهور!

پیمان مقدم | روزنامه‌نگار

نمایشگاه بیستم مطبوعات در غیاب رئیس دولت تدبیر و امید برگزار شد و پایان یافت. در هفته‌ای که گذشت بحث بر سر میزان اثرگذاری و ضرورت برگزاری نمایشگاه مطبوعات و خبرگزاری‌ها در میان اهل قلم داغ بود. این که این سبک و سیاق دورهمی رسانه‌ها چقدر مفید فایده است آن هم در فضایی که همچنان بساط امر و نهی و این را بگویید و آن را نگویید برپاست. در همین اتمسفر دست‌وپاگیر هم امیدوار بودیم تا حضور رئیس‌جمهوری به گردهمایی اهل قلم رنگ جدیت و رسمیت بدهد اما ظاهرا قسمت نبود. در روزگاری که رسانه‌های حامی اعتدال همچنان با محدودیت‌های حرفه‌ای برجامانده از سال‌های سخت گذشته دست به گریبانند، از حضور رئیس‌جمهوری محبوب خود هم محروم ماندند. بی‌شک مشاوران رئیس‌جمهوری و تیم رسانه‌ای دولت قطاری از توجیهات را در باب فشرده بودن برنامه‌ها و کم بودن فرصت و مهیا نشدن هماهنگی ردیف می‌کنند اما خودشان بهتر می‌دانند که کُمیت هماهنگی‌های رسانه‌ای دولت لنگ‌تر از حضور یا عدم حضور رئیس‌جمهوری در نمایشگاه است. تلخی ماجرا این‌جاست که روزهای سختی در پیش است. مذاکرات هسته‌ای به پیچ نهایی و تصمیم آخر نزدیک می‌شود؛ آن هم در روزگاری که در و دیوار شهرمان پر است از تصویر آدرس شمرهایی که دولت به مذاکره با آنها نشسته و هدف این تصاویر انبوه هرچه باشد حمایت و پشتیبانی از دولت مستقر نیست. در روزگاری که چهارمین گزینه وزارت علوم هم نامزد نشده، پاسخ منفی می‌شود و فریاد «دو - دو» تحویل می‌گیرد و از سوی کمپین متحد رسانه‌های منتقد زیر یک خمش گرفته می‌شود. در این معرکه پیچیده، کدام گروه بیش از رسانه‌های حامی اعتدال می‌توانند به داد دولت برسند و در برابر این امواج سهمگین یاری‌اش کنند؟

آقای رئیس‌جمهوری که قابل ندانستند اما انگیزه و انرژی ما در حمایت از راهی که برگزیده‌ایم، کاستی نمی‌گیرد. ما تازه به اردوی اعتدال وصل نشده‌ایم. روزهای سختی گذشت. روزهایی که همین غرفه‌های برتر و رسانه‌های متحد خبر بررسی مجدد صلاحیت جناب روحانی را در بوق کرده بودند؛ روزهایی که سوابق دیپلماتیک رئیس‌جمهوری به صورت بی‌رحمانه‌ای تخریب می‌شد. روزهایی که در چاپخانه‌ها هم کنترلمان می‌کردند. روزهای سختی بود که گذشت و ما هنوز از عهدمان نگذشته‌ایم...

فوکوس ...

۱۰۰ سال پیش، برابر با بیست و پنجم آبان ۱۲۹۳ خورشیدی، ستارخان قره‌داغی از سرداران جنبش مشروطه ایران ملقب به سردار ملی، در تهران درگذشت و در حرم عبدالعظیم به خاک سپرده شد. عمده دلیل شهرت ستارخان نقش موثر او در پیروزی جنبش مشروطه و مقاومتش در برابر قشون عظیم محمدعلی‌شاه بود که پس از به توپ بستن مجلس شورای ملی و تعطیلی آن، برای دستگیر کردن مشروطه‌خواهان به تبریز و آذربایجان گسیل شده بود. ستارخان به همراه سایر مجاهدان و باقرخان (سالار ملی) مدت یک سال در برابر قوای دولتی ایستادگی کرد و نگذاشت تبریز به دست طرفداران محمدعلی‌شاه بیفتد.

کارتون شهر

نازنین جمشیدی | کارتونیست | nana.jamshidi@gmail.com

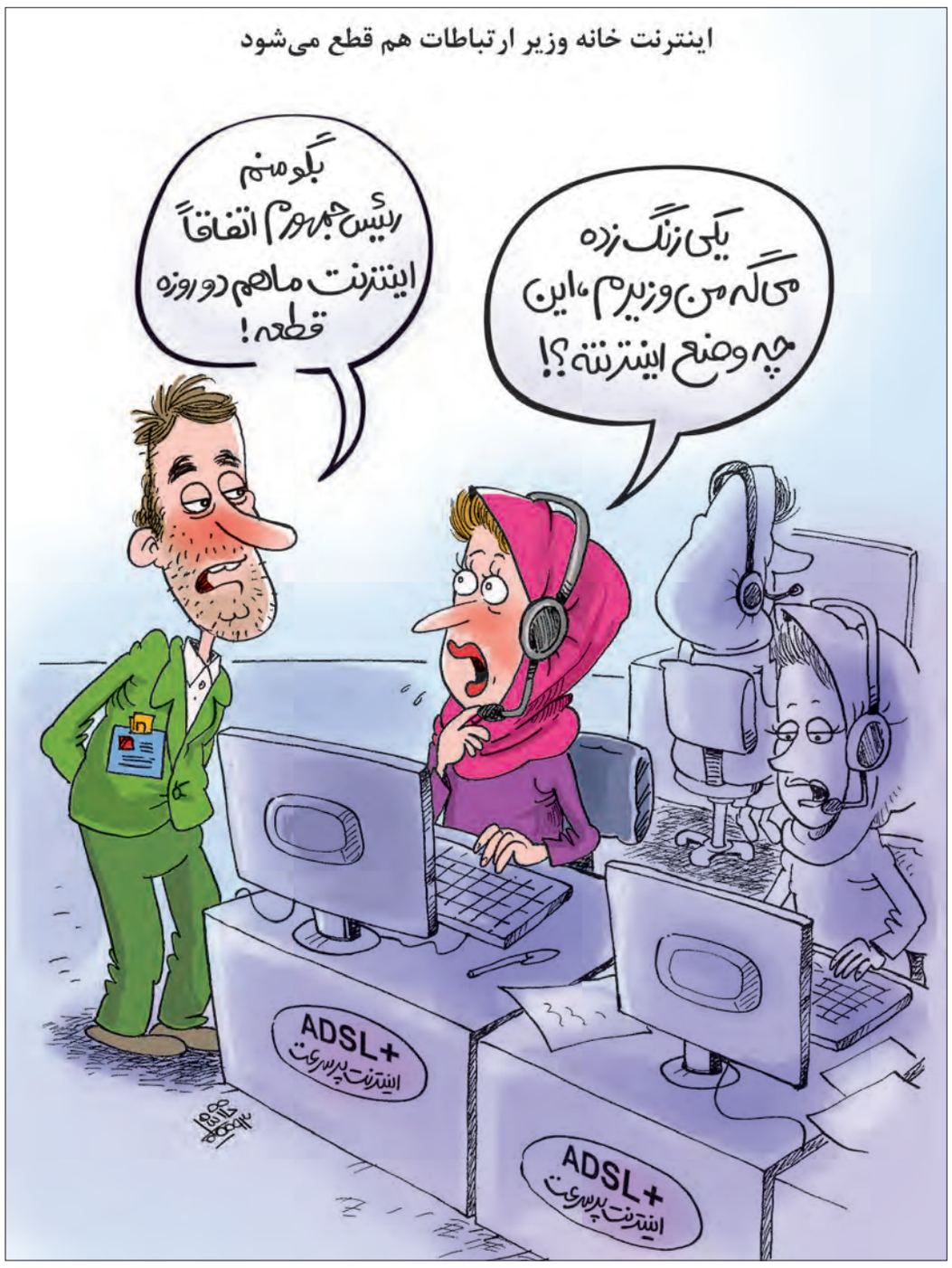

حرف روز

در ستایش متفاوت بودن

مریم حسینی‌نیا
کارشناس ارشد
پژوهش علوم اجتماعی

فرض کنید یک روزی مثل دوشنبه باشد. از صبحی که رسیدید سر کار تا الان که شاید حدود ۱۲:۳۰ ظهر است به نظرتان روز خوبی نبوده است. باید جواب رئیس را می‌دادید یا کارمندتان متوجه منظورتان نمی‌شده. فشار کاری زیاد بوده و کسی این موضوع ساده را درک نمی‌کند که شما دست‌تنهایید. شایدم از انجام کار یکنواخت و تکراری خسته شده‌اید. به نظرتان این آینده‌ای نبوده که برای خود ترسیم می‌کردید. اگر نیاز مالی نبود، عطایش را به لقایش می‌بخشیدید و ظرف ۲ دقیقه پشت به اداره می‌کردید و به سمت رویاهایتان قدم برمی‌داشتیدو...

حتی ممکن است شما که در بازار آزاد کار می‌کنید، امروز روز کاری خوبی را پشت‌سر نگذاشته باشید. می‌خواستید چکی نقد کنید تا چک خودتان پاس شود اما چک خط‌خوردگی داشته یا تاریخش درست نبوده یا امضایش همخوانی نداشته یا هیچ‌یک از اینها. سیستم شبکه بین بانکی با مشکل مواجه شده و مجبورید دقایق طولانی برای رفع مشکل منتظر بمانید و مدام تماس بگیرید که لطفا کمی چک را دیرتر به بانک ببرند. در همین اثنا دلتان از چرخه زمانه به تنگ می‌آید. شاید ربط چندانی به وصول نشدن چک هم نداشته باشد ولی همین مسأله یادتان بیاورد که از زمانه دلگیرید و...

حتی ممکن است امروز دوست نداشته باشید دست به هیچ‌کاری بزنید. خانه‌تان شلوغ و به‌هم ریخته است و می‌دانید بچه‌ها کمتر از ۳ ساعت دیگر به خانه می‌آیند و شما هنوز فکری برای غذا نکرده‌اید. خسته‌اید و کمی احساس کرختی می‌کنید. آشپزخانه درهمتان صدایتان می‌کند اما دوست دارید دل به برنامه تلویزیون بدهید و مدام شبکه عوض کنید و...

در هریک از این موقعیت‌ها که باشیم به‌رغم تمام غم سبک و سنگینی که از جبر زمانه احساس می‌کنیم، بهتر است برای رهایی چاره‌ای بیندیشیم. این چاره از فردی به فرد دیگر متفاوت است. ممکن است در هریک از این موقعیت‌ها به کتابی پناه ببریم. بعد با خواندن همین چند جمله که «بعد از کاوه نه. نه این که ترجیحی داشته باشم. دقیقا چون ندارم. یعنی بعد از کاوه برایم بهتر یا بدتر وجود ندارد. انتخاب معنا ندارد. همه‌چیز علی‌السویه است. فکر می‌کنم او که نیست، چه فرقی می‌کند...» * یاد این بیفتیم که زندگی روی خوبی هم دارد. زندگی می‌تواند در این خلاصه شود که ما آدم بهتری باشیم. در این که می‌توان فردی بود که دنیای اطرافیانمان را به قبل و بعد تقسیم کنیم. در این که سیاهی و کژی هست، اما دلیلی نیست که غرقش شوی. شبیه‌اش شوی. باید تلاش کنی که خوب بمانی، حتی فراتر از آن تلاش کنی تا در حد خودت مثمرثمر باشی. باید بتوانی محبت کنی، بی‌حد و مرز. بتوانی ورای تقسیم‌بندهای رایج فکر کنی و زندگی. باید بتوانی راه خودت را پیدا کنی و کاری بکنی به تعبیر خودش «میخ میخ!»*

* «بودن با دوربین: کاوه گلستان زندگی، آثار و مرگ» / حبیبه جعفریان، حرفه هنرمند، ۱۳۹۱

Hoseininia.m@gmail.com

اراک ۳	اردبیل -۱	ارومیه -۲	اصفهان ۳	اهواز ۱۳	ایلام ۲	بجنورد ۰	بندرعباس ۲۰
بوشهر ۱۹	بیرجند ۴	تبریز ۰	تهران ۶	خرم‌آباد ۳	زاهدان ۱۲	زنجان -۲	سنندج ۲
شهرکرد -۵	قزوین ۲	کرمانشاه ۴	کرمان ۱۳	گرگان ۴	رشت ۳	ساری ۵	کرج ۱
شیراز ۵	سمنان ۷	همدان ۲	قم ۷	مشهد ۲	یاسوج ۳	یزد ۷	ابوموسی ۲۴

... برف و باران در راه است

بررسی نقشه‌های پیش‌یابی بیانگر ورود یک سامانه بارشی از اواسط وقت امروز به شمال غرب و غرب کشور است. این سامانه روز دوشنبه این هفته علاوه بر مناطق ذکر شده، برخی از مناطق جنوب غرب، دامنه‌های جنوبی البرز و سواحل غربی دریای خزر را تحت تاثیر قرار داده و سبب بارش برف و باران و وزش باد به خصوص در استان‌های غربی کشور خواهد شد.

بر اساس پیش‌بینی سازمان هواشناسی کشور، گستره بارش‌ها روز سه شنبه هفته جاری دامنه‌های مرکزی زاگرس و شمال شرق کشور را نیز در بر می‌گیرد و در این روز با نفوذ جریان‌های سرد شمالی بارش‌ها در سواحل شمالی کشور تشدید می‌شود و دمای هوا در نیمه شمالی کشور کاهش می‌یابد.

کمینه و بیشینه هوای تهران امروز به ۶ تا ۱۶ درجه بالای صفر می‌رسد و نقشه‌های هواشناسی نشان می‌دهند، آسمان تهران نیز در این روز کمی ابری همراه با غبار محلی در اواخر وقت با افزایش ابر خواهد بود. طبق نقشه‌های پیش‌یابی کمینه و بیشینه هوای تهران روز دوشنبه این هفته نیز بین ۳ تا ۱۷ درجه بالای صفر خواهد بود و آسمان تهران نیز در این روز نیمه ابری گاهی ابری و غبار محلی در بعد از ظهر با بارش‌های پراکنده و وزش باد پیش‌بینی شده‌است.

بنا بر اعلام مرکز کنترل و پایش محیط زیست کشور، هوای تهران روز گذشته نیز در شرایط ناسالم قرار داشته است. شاخص کیفیت آلاینده‌های منواکسید کربن، ازن، دی‌اکسید نیتروژن و دی‌اکسید گوگرد در پایتخت به ترتیب بر روی اعداد ۴۰، ۱۳، ۴۲ و ۳۱ قرار گرفته است. شاخص کیفیت هوای تهران درباره آلاینده ذرات معلق کمتر از ۱۰ میکرون و ۲/۵ میکرون به ترتیب روی اعداد ۵۱ و ۵۵ قرار دارد.

در شبانه‌روز گذشته بندرعباس مرکز استان هرمزگان با بیشینه دمای ۳۲ درجه سانتیگراد گرم‌ترین و شهرکرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری با کمینه دمای منفی ۴ درجه سانتیگراد خنک‌ترین شهرهای کشور طی ۲۴ ساعت گذشته بوده‌اند. طی دیروز استان‌های اردبیل و چهارمحال بختیاری، خنک‌ترین و استان هرمزگان گرم‌ترین استان‌های ایران بوده‌اند.